

جایگاه کار و کارگر در قرآن و حدیث



محمد تقی صرفی پور



جایگاه کار و کارگر در قرآن و حدیث

«وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^(۱)

هر انسانی باندازه تلاشی می کند نتیجه می گیرد.

یکی از اقشار محترم جامعه مسلمین، کارگران می باشند. اگر کارگران نبودند خانه ای ساخته نمی شد. جاده ای درست نمی گردید. ماشین و لوازم منازل تولید نمی گردید. ما از امکاناتی چون آب و برق و تلفن و گاز و غذا و امثال آن بی بهره بودیم.

لذا پیامبر ما دست کارگر را بوسید. و فرموده اند کسی که برای امرار معاش خانواده اش تلاش کند، مانند مجاهد فی سبیل الله است.

بدنبال کار رفتن ولقمه حلال در آوردن بر هر
مسلمانی واجب است. و این تلاش از بهترین
عبادات است که ثواب رزمنده مسلمان را دارد
و در حدیثی از پیامبر عرق کارگر همانند خون
شهید ارزشمند است.

مردی با نگرانی به امام صادق علیه السلام عرض
کرد: به خدا قسم ما سخت گرفتار دنیا شده ایم و
دوست داریم که بر مال و ذخایر آن دست یابیم .
وضع ما چگونه خواهد بود؟

حضرت از او سؤال کرد:

دوست داری با مال دنیا چه کنی و درآمدت را
در چه راه صرف نمایی ؟ جواب داد: قسمتی را
در بهبود زندگی خود عائله ام صرف نمایم . صله

رحم کنم و به بستگان تهی دستم کمک نمایم .
در راه خدا به فقرا و مستمندان بدهم و به سفر
عبادی حج و عمر بروم

حضرت فرمود: نگران نباش . کار تو دنیا طلبی
مذموم نیست ، بلکه این کار خود آخرت طلبی
است⁽²⁾

پیغمبر اکرم فرموده است :

1 . سوره نجم، آیه 39.

2 . وسائل الشیعه - کتاب تجارت

«ما اکل احدکم طعاماً قطّ خیراً من عمل یده»

هیچ کس از شما هرگز طعامی بهتر از کار دست
خویش نخورده است .

حسن بن علی بن حمزه از پدرش نقل می کند
که ابو الحسن موسی بن جعفر علیه السلام را دیدم
که در زمینی که داشت کار می کرد و پاهایش
عرق کرده بود .

به او عرض کردم : فدایت شوم ، کجا هستند
مردانی که به شما کمک کنند ؟

فرمود ای علی ، کسی بهتر از من و پدرم بود ، که
با دست خود کار می کرد .

عرض کردم : چه کسی بود ؟ فرمود : رسول خدا
ص و امیر المومنین و پدرانم علیهم السلام ، همه

آنان با دستشان کار کرده اند . کار سیرت پیامبران
و مرسلین و اوصیاء و نیکوکاران بوده است .
عمرو شیبانی می گوید :

امام صادق ع را دیدم در حالیکه وسیله صاف
کننده زمین به دست و لنگ ضخمی به کمر ، در
باغی که داشت ، کار می کرد و عرق از پشتش
می ریخت ،

عرض کردم : فدایت شوم ، وسیله را به من بدهید
تا کار شما را انجام به دهم .

به من فرمود : من دوست دارم مرد در گرمای
آفتاب در تحصیل معاش ، به مشقت بیافتد .

ابو بصیر می گوید : از امام صادق علیه
السلام شنیدم که می فرمود :

«أَنْتِ لِأَعْمَلٍ فِي بَعْضِ ضِيَاعِي حَتَّى أَعْرِقَ وَأَنْتِ لِي
مَنْ يَكْفِينِي لِيَعْلَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْتِ أَطْلُبُ الرِّزْقَ
الْحَلَالَ»

(یعنی من دوست دارم کار کنم و عرق بریزم تا
خداوند سبحان مرا در حال بدست آوردن رزق
حلال ببیند.)

طبق آیات قرآن کریم رسیدن انسان به اهدافش
فقط از طریق سعی و تلاش میسر می باشد.

یعنی عامل اصلی سعادت ، سعی و تلاش است .

این حقیقت در بسیاری از آیات قرآن کریم منعکس است .

در آنجا که انسان را در گرو اعمالش می شمرد
(کلُّ نفس بما کسبت رهینة).^(۱)

و در جای دیگر بهره او را تنها در گرو سعیش
میشمرد (و ان لیس للانسان الا ما سعی).^(۲)
و در بسیاری از آیات ، بعد از ذکر ایمان ، روی
عمل صالح تکیه می کند.

(والعصر ان الانسان لفی خسر الا الذین آمنوا
وعملوا الصالحات) یعنی انسانها در زیان و ضرر
هستند مگر کسانی مه ایمان آورده و عمل صالح
انجام می دهند.

تا همگان این خیال خام را از سر بدر کنند که بی
سعی و تلاش به جایی می توان رسید وقتی
مواهب دنیای مادی را بی سعی و تلاش نمی توان
بدست آورد، چگونه می توان انتظار داشت که
سعادت جاودانی بدون آن بدست آید.

آیات قرآن مجید درباره لزوم کار و کوشش و
تقلا در این زندگانی برای تحصیل مقاصد قانونی
به قدری فراوان و صریح است که جای هیچ گونه
تردیدی برای ضرورت کار و تکاپو نمی گذارد .
و با مشاهده آیات قرآنی و ائمه معصومین علیهم
السلام و بیانات بزرگترین حکما و عرفای اسلام
در لزوم کار و کوشش مفید در این زندگی، می
فهمیم که رمز سعادت انسان در سعی و تلاش
و مجاهدت است.

سیره عملی رهبران اسلام، تشویق تلاشگران
و تذکر به افراد بیکار و تنبل بوده است

پیشوای عالی قدر اسلام ، برای آن که مسلمین را
به کار و کوشش و به سعی و عمل تشویق کند و
آنان را از تنبلی و بیکاری بر حذر دارد، عملاً
افراد زحمت کش و کارگر را مورد مهر و عنایت
مخصوص خود قرار می داد و به صور مختلف
تشویقشان می کرد. برعکس ، با بیکاران به تلخی
و سردی برخورد می نمود و مراتب نارضایی خود
را صریحاً اظهار می فرمود.

پیامبر کارگر را بوسید

انس بن مالک گفت : موقعی که رسول اکرم از
جنگ تبوک مراجعت می کرد، سعد انصاری به

استقبال آمد حضرت با او مصافحه کرد. حضرت
دست سعد را زبر و خشن دید.

فرمود: چه صدمه ای و آسیبی به دستت رسیده
است؟

عرض کرد: یا رسول الله، من با طناب و بیل کار
میکنم و درآمدم را خرج معاش خانواده

1. مدثر - 38

2. نجم - 39

ام می نمایم. رسول اکرم دست او را بوسید و
فرمود: این دستی است که آتش با آن تماس پیدا
نمی کند.

روایت شده رسم پیغمبر اکرم این بود که وقتی با
مردی برخورد می کرد که نیرو و قوتش مایه
شگفتی آن حضرت می شد، سوءال می کرد آیا
حرفه ای دارد و به کاری مشغول است اگر جواب
منفی بود، می فرمود از چشم من افتاد.

پیغمبر اسلام از نظر معنوی فرستاده خداوند
سبحان و رهبر روحانی جامعه و از نظر ظاهری
رئیس کشور و شخص اول مملکت بود. وقتی در
حضور مردم دست سعد انصاری را به احترام
سعی و عملش می بوسد، در واقع بالاترین مراتب
احترام و تشویق را نسبت به کار و کارگر معمول

داشته است و موقعی که درباره فرد بیکار می
فرماید: از چشم من افتاد، نافذترین سخن را
درباره نارضایتی و اعتراض خود نسبت به بیکاری
و بیکار ادا فرموده است .

از امام موسی بن جعفر علیها السلام نقل شده است
که فرمود: (ان الله تعالى ليغض العبد النوام ، ان
الله ليغض العبد الفارغ) خداوند سبحان بنده پر
خواب را مبغوض می شمرد، خداوند سبحان
انسان بیکار را دشمن می دارد.⁽¹⁾

آری تنبلی و کسل بودن مورد مذمت اسلام قرار
دارد.

امیرالمؤمنین (ع) فرمود وقتی که اشیاء باهم
ازدواج کردند تنبلی با ناتوانی ازدواج کرد و نتیجه
آن فقر شد.⁽²⁾

امام کاظم ع فرمودند خداوند سبحان آدم
پرخواب و بیکار را دشمن دارد.⁽³⁾

متأسفانه عده کمی از افراد بجای تلاش و کار
و تهیه لقمه حلال، بخاطر تنبلی بدنبال تهیه پول
راحت هستند لذا یا بدنبال قاچاق می روند یا از
راههای کلاهبرداری و کلاشی وامثال آن پول
درآورده که معمولاً زندگی راحتی ندارند .

عده ای معتاد می شوند . عده ای بخاطر کارهای
خلاف به زندان می افتند . و عده ای دیگر زن
و بچه خود را رها کرده و آنها را به امان خدا
می گذارند .

1. وسائل الشیعه - کتاب تجارت

2. وسائل الشیعه - کتاب تجارت

3. همان

در زمان پیامبر اعظم شخصی مشکل مالی سختی پیدا کرد . نزد حضرت آمد تا کمک مالی بگیرد اما هنوز سخنی نگفته بود که پیامبر فرمود هر که از ما بخواهد به او می بخشیم ولی اگر از خداوند سبحان بخواهد خدا او را بی نیاز می کند . این مسئله چندبار تکرار شد تا اینکه مرد تبری از همسایه قرض کرد و به صحرا رفت و هیزم جمع

نمود و فروخت و پولی بدست آورد . روز بعد
بیشتر کار کرد و پول بیشتری بدست آورد و با
تلاش زیاد کم کم وضعش خوب شد و مشکلش
برطرف گردید . روزی با همسرش نزد پیامبر 9
آمد و داستانش را گفت . پیامبر فرمود نگفتم
هر که از ما بخواهد به او می بخشیم ولی اگر از
خدا بخواهد خدا او را بی نیاز می کند .⁽¹⁾

بعضی از کارگران در کار کردن افراط می کنند
بطوری که نه به خانواده می رسند و نه به امور دینی
خود . سالها می گذرد و یکبار در نماز جمعه
شرکت نمی کنند . اصلاً نمی دانند امام جمعه
شهرشان چه کسی است؟

اینها هم راه اشتباه طی می کنند . و اگر با این حال
بمیرند در پیشگاه الهی مؤاخذه خواهند شد . زیرا

هدف از خلقت انسان، کار کردن نیست . بلکه
هدف ،عبادت و معرفت است و کار و ازدواج
و خانه و لذات مشروع ابزار رسیدن به این هدف
هستند .

اما شاهد هستیم که بعضی از افراد هدف را گم
کرده‌اند و ابزارها را هدف قرار داده‌اند . دنیا
وسیله آخرت است ولی اینها دنیا را هدف خود
می‌دانند و از آخرت غفلت نموده‌اند .

باید بفرمایش علی 7 شبانه روز را سه قسمت کرد
. یک قسمت کار و تلاش . یک قسمت هم
استراحت و لذت‌های مشروع . قسمتی هم برای
عبادت و بندگی .

عمرانسان بزرگترین سرمایه انسان است که باید از
آن بهترین استفاده بنماید و در قیامت از مهمترین
سوالاتی که از هر انسانی می کنند این سوال است
که عمرت و جوانیت را در چه کاری گذراندی؟

گفته اند انسانهای عادی فقط از بیست درصد
استعدادهای خود استفاده می کنند و اگر از سی
درصد آن استفاده نمایند نابغه خواهند شد!

یکی از بیماری های جامعه ما، بیماری تنبلی
اجتماعی است. یعنی اکثر امیل دارند که

شغل راحت و کم زحمت داشته باشند. اکثر فارغ التحصیل‌های کشور بدنبال استخدام دولتی هستند و بعضی از آنها حاضرند نگهبان یا سرایدار اداره باشند زیرا کارشان کم زحمت و درآمدشان تضمین شده است.

آیا در کشورهای پیشرفته هم این چنین است و افراد تحصیل کرده فقط جذب دولت می شوند؟ یا اینکه خود کارآفرین می شوند و با تاسیس شرکت ها و کارخانجات عده ای را سرکار می برند.

در کشور ما تعدادی از سرمایه دارها هستند که حاضر نیستند این سرمایه را در کارهای تولیدی و مورد نیاز کشور بکاربندند بلکه یا در بانکها می

گذارند او یا خرج تجملات برای خود اضافه
کردن املاک و ویلاها می نمایند.

باید فرهنگ ارزش تلاش و همت را بین نوجوانان
و جوانان جامعه ایران اسلامی نهادینه نمائیم. باید
به افراد فارغ التحصیل بگوئیم که تلاش و کار
هرچقدر بیشتر و سخت تر باشد ارزشش
بیشتر است.

و باید بگوئیم که پر کردن مشاغلی که مورد نیاز
کشور است واجب کفائی و گاهی واجب عینی
است.

حضرت امام درباره مقام کارگر می فرمایند:

اختصاص یک روز به کارگران شاید به لحاظ «
روز کارگری تشریفات و تعظیم باشد والا هر روز
است و کارگران است بلکه عالم از کار و کارگر
یک روز اختصاص بدهیم تشکیل شده است. اینکه ما
به کارگر، مثل این است که یک روز را اختصاص
نور، یک روز را اختصاص بدهیم به بدهیم به
روژ خورشید. هر روز نور هست و روز نور است، هر
روز خورشید است؛ لکن شاید این برای یک
جهت مضایقه تشریفات و تعظیمی باشد، از این
نیست، لکن اگر واقع بینی باشد، کار و کارگر در تمام
عالم طبیعت و عوالم عوالم ماقبل طبیعت و
مابعدالطبیعه، کار و کارگر همه جاست و تمام
موجودات قبل از طبیعت باشد و موجودات عالم، چه
چه موجودات طبیعی باشد و چه موجودات بعد از
طبیعت، همه از کارگر پیدا شده است، و کار نظیر

دخالت دارد.» «وجود» است که در همهٔ شئون عالم

]] ۱

کار مثل جلوهٔ حق تعالی می ماند که در تمام «
موجودات، کار در موجودات سرایت کرده است. همهٔ
آنها هست و با کار درست شده اند. همهٔ ذرات وجود
ذرات اتمی که در این عالم طبیعت کارگرند حتی
هست، اینها کارگر هستند با هوشیاری. همهٔ ذرات
عالم فعالند و هوشیارند لکن ما گمان می کنیم که
وَلَكِنْ هُوشِيَارٌ لَا يَسْتَعِينُونَ: وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ
لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» [*] همهٔ مُسَبِّح حَقند، همه
هستند؛ و کارگران حق هستند، همه مطیع حق تعالی
کار در همه جا هست و عالم سرتاسر «روز کارگر»
کارگری است، سرتاسر عالم است نه یک روز روز
روز کارگر است، سرتاسر عالم کارگر است و
کار است؛ یعنی ذرات وجودی که سرتاسر عالم
انسان را و دیگر حیوانات را - به ارادهٔ الله تعالی -
موجود می کنند کارگرند و انسان کار است، اثر کار

عالم ملاحظه می آنهاست. تمام این موجوداتی که در
کنید اثر کار فعالانۀ جنود الهی است؛ جنداالله، همه
تبارک و تعالی مبدأ کار است.» کارگر هستند. خدای
۲]]

روز کارگر را به ملتهای زحمتکش و خصوص
می کنم. کارگران به واژه اعم، تبریک عرض
کارگران از ارزشمندترین طبقه و سودمندترین گروه
عظیم جوامع بشری با در جامعه ها هستند. چرخ
دست توانای کارگران در حرکت و چرخش است.
ملت، مرهون کار و کارگر است. کار حیات یک
خلاصه خلاصه نمی شود به جنبش مخصوص و کارگر
نمی شود به گروهی خاص؛ و به این انگیزه، روز
بخش خاصی از آن.» کارگر روز همه ملت است نه
۳]]

روز کارگر روز دفن سلطۀ ابرقدرتهاست که با کار
ابعادش به مستضعفین با واژه اعم، استقلال در همه
جهان برمی گردد و ابرقدرتهای آدمخوار و عالمخوار

می شوند؛ و گویی که در آستانهٔ روز خلع سلاح
کارگر، این انفجارهای پی در پی بی رابطه با این روز
نباشد. ملت شریف ما اگر در این انقلاب بخواهد
به کار پیروز شود باید دست از آستین برآرد و
پپردازد. از متن دانشگاهها تا بازارها و کارخانه ها و
که خودکفا شود و روی پای مزارع و باغستانها تا آنجا
[خود بایستد.]» [۴]

سورهٔ اسراء، آیهٔ ۴۴: «و هیچ موجودی نیست [*]:
جز آنکه او را به پاکی می ستایید، ولی شما ذکر تسبیح
«ایشان را در نمی یابید

منابع:

صحیفه امام، ج ۷، ص: ۱۷۱: [۱]

صحیفه امام، ج ۷، صص ۱۷۲-۱۷۳: [۲]

صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۲۶۴: [۳]

صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۲۶۵: [۴]

: (قال رسول الله (ص)

هرکس از پرداخت مزد کارگری خودداری ورزد ، لعنت
خداوند بر او باد .

از حضرت علی (ع) نقل شده است که فرمود
روزی در مدینه سخت گرسنه بودم، از شهر بیرون شدم «
تا کاری پیدا کنم و مزدی به دست آورم. مقداری از شهر
دور شدم به کنار خانه زنی رسیدم و دیدم مقداری گِل
خشک انباشته است دانستم وی می خواهد آن گِل ها
را جهت ساختمان، تر کند، به نزد او رفتم و با وی قرار
بستم درازای هر دلو بزرگ آب که بر آن گِل ها بریزم یک
دانه خرما بستانم. شانزده دلو کشیدم و از سنگینی
دلوها دستم تاول زد. وی شانزده دانه خرما به من داد و
من خرماها را به نزد پیامبر (ص) بردم و دو نفری آن ها را
خوردیم.

«خداوند به حضرت داود (ع) وحی فرستاد که تو بنده
بسیار خوبی هستی و تنها نقطه ضعفی که در تو وجود
دارد این
است که کار نمی کنی و از دسترنج خود امرار معاش
نمی کنی بلکه از بیت المال حقوق می گیری. داود چهل
روز
گریست و سپس به شغل آهنگری روی آورد و از آن
طریق مخارج خود را تامین نمود.

شخصی گفت: دیدم امام صادق (ع) در زمینی کار می
کند و از شدت گرما پیوسته عرق می ریزد. عرض کردم
فدایت

شوم بیل را به من بدهید تا این کار را انجام دهم . فرمود
دوست دارم در طلب رزق و روزی، گرمای خورشید مرا
آزار دهد و
این اجر و پاداش ببرم. در روایات است که حضرت علی
(ع) هیزم جمع می کرد، چشمه و قنات حفر می نمود،
باغ و
مزرعه آبیاری می کرد و حضرت زهرا(س) گندم آرد می
کرد و نان می پخت. حضرت صادق (ع) فرمود: «خداوند
انسانی را
که خوابیدن و بیکاری او زیاد باشد مبعوض می دارد.

یکی از صوفی ها به نام محمد بن منکدر گفت:
در یک روز گرم تابستان دیدم امام باقر (ع) مشغول
زراعت است و عرق از سراپای او جاری است به او
گفتم: اگر شما در این حال بمیرید در چه حالی از دنیا
رفته اید؟ آیا در حال حرص زدن برای دنیا نمرده اید؟
حضرت فرمود: «اگر در این حال بمیرم در حال عبادت و
اطاعت خدا مرده ام؛ چون من عرق می ریزم و کار می
کنم تا محتاج تو و امثال تو نباشم.

کارگری نزد امام صادق (ع) آمد و گفت من کارگری
هستم که دیگر توان کار ندارم و دستم قدرت ندارد.
حضرت فرمود
برو کار کن اگر با دست نمی توانی کارکنی بار بر روی
سرت بگذار و ببر و با این کار عزت خود را حفظ کن و زن و
بچه ات را در آسایش و رفاه قرار بده.

داستان پیرمرد کارگر

یک پیر مرد کار گر که تقریباً ۵۰ سال داشت در یک گوشه زندگی میکرد ای از شهر

روزگار این مرد بیچاره چندان خوب نبود مرد بیچاره روز میرفت کار میکرد روزانه هر اندازه که کار میکرد همان را غذا با خود می آورد حتی بعضی روز ها شب نمیتوانست نفقه خانواده خودش را تأمین کند

یک روز این پیر مرد تا شام شب گرسنه را صبح میکرد کار میکند

شام هنگام برگشت به خانه سه دانه نان از نانوائی با خود سک را (گرفت در وسط راه ناگهان صدای (چرنگ چرنگ میشنود

دلش آرام نمی گیرد می رود می بیند که در یک خرابه یک سک حال و حرکت در با چند تا چوپه خود خوابیده از گرسنگی جانش نمانده بود در همین موقع مرد از نان که برای خانواده دانه شان را پیش سک انداخت سک با خود گرفته بود یک مرد نان دومی را خوردن این نان یک کم حرکت پیدا کرد نیز به سک داد و بالاخره با یک نان به خانه برگشت وقتی که امروز چرا ؟ چه شده؟ مرد گفت که امروز زنش پرسید که کار نبود

بعد از گذشت چند روز این مرد چنان سرمایه دار شد که مردم از این کار حیرت صاحب چند تا دکان در آن شهر شد کرده بودند

خود مرد همچنان حیران بود که چطور به یک بارگی رحمت
خدا بر او نازل گشت؟

زیاد در یافت که این همه ثروت نتیجه همان بعد از فکر های
روزی بود که به سک رحم کرده بود

نتیجه اخلاقی داستان

تمام مخلوقات خداوند در زیر ترحم های یکدیگر زندگی
اگر ما احساس ترحم در برابر مخلوقات خداوند داشته . میکند
را باشم پس بدون شک خداوند از ما خوشنود و برکات خود
نازل خواهد کرد

داستان تاریخی مرد ثروتمند و کارگران

مردی بود بسیار متمکن و پولدار روزی به
کارگرانی برای کار در باغش نیاز داشت . بنابراین
، پیشکارش را به میدان شهر فرستاد تا کارگرانی
را برای کار اجیر کند . پیشکار رفت و همه ی
کارگران موجود در میدان شهر را اجیر کرد و
. آورد و آن ها در باغ به کار مشغول شدند

کارگرانی که آن روز در میدان نبودند ، این موضوع را شنیدند و آنها نیز آمدند . روز بعد و روزهای بعد نیز تعدادی دیگر به جمع کارگران اضافه شدند . گرچه این کارگران تازه ، غروب بود که رسیدند ، اما مرد ثروتمند آنها را نیز استخدام کرد . شبانگاه ، هنگامی که خورشید فرو نشسته بود ، او همه ی کارگران را گردآورد و به همه ی آنها دستمزدی یکسان داد

بدیهی ست آنانی که از صبح به کار مشغول بودند ، آزرده شدند و گفتند : “این بی انصافی است . چه می کنید ، آقا ؟ ما از صبح کار کرده ایم و اینان غروب رسیدند و بیش از دو ساعت نیست که کار کرده اند . بعضی ها هم که چند دقیقه پیش به ما ملحق شدند . آن ها که اصلاً کاری نکرده اند

مرد ثروتمند خندید و گفت : ”به دیگران کاری نداشته باشید . آیا آنچه که به خود شما داده ام ”کم بوده است ؟

کارگران یکصدا گفتند : ”نه ، آنچه که شما به ما پرداخته اید ، بیش تر از دستمزد معمولی ما نیز بوده است . با وجود این ، انصاف نیست که اینانی که دیر رسیدند و کاری نکردند ، همان دستمزدی ”را بگیرند که ما گرفته ایم

مرد دارا گفت : ”من به آنها داده ام زیرا بسیار دارم . من اگر چند برابر این نیز پردازم ، چیزی از دارائی من کم نمیشود . من از استغنائی خویش می بخشم . شما نگران این موضوع نباشید . شما بیش از توقع تان مزد گرفته اید پس مقایسه نکنید .

من در ازای کارشان نیست که به آنها دستمزد می
دهم ، بلکه می دهم چون برای دادن و بخشیدن ،
بسیار دارم . من از سر بی نیازی ست که می
بخشم .”

حضرت مسیح می فرماید : “بعضی ها برای
رسیدن به خدا سخت می کوشند . بعضی ها
درست دم غروب از راه می رسند . بعضی ها هم
وقتی کار تمام شده است ، پیدایشان می شود . اما
همه به یکسان زیر چتر لطف و مرحمت الهی قرار
می گیرند .”

شما نمیدانید که خدا استحقاق بنده را نمی نگرد ،
بلکه درائی خویش را می نگرد . او به غنای خود
نگاه می کند ، نه به کار ما . از غنای ذات الهی ،
جز بهشت نمی شکفد . باید هم اینگونه باشد .
. بهشت ، ظهور بی نیازی و غنای خداوند است

دوزخ را همین خشکه مقدس ها و تنگ نظرها
برپا داشته اند . زیرا اینان آنقدر بخیل و حسودند
که نمیتوانند جز خود را مشمول لطف الهی ببینند